

پژوهشی در خصوص مسئله‌شناسی جوانان ایران

علی قنبری برزیان^۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۲

چکیده

این پژوهش ضمن بررسی آسیب‌شناسی و مسئله‌شناسی جوانان در زمینه‌های مختلف، با استفاده از رویکرد مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی پساساختارگرا می‌کوشد به این پرسش نیز پاسخ دهد که صاحب‌نظران مسائل جوان چه مسائلی را مهمترین مسائل جوانان ایرانی می‌دانند. این پژوهش از نوع علی و استنباطی است که در آن از روش تئوری زمینه‌ای یا گرند تئوری برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق استفاده شده است. ۵۱ مصاحبه انجام شده در این پژوهش در ۶ گروه دینی- اعتقادی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی، مدیریتی و فرهنگی- ادبی دسته‌بندی شدند. بررسی کلی داده‌ها و کدگذاری آنها نشان می‌دهد که مدیران باوجود درک درست درخصوص مسئله‌شناسی جوانان، با ابهاماتی نیز روبه‌رو هستند. تمرکز بر مسئله ازدواج که خود حکایت از تغییر در ساختار خانواده و ازدواج دارد نقطه عطف مسئله‌شناسی صاحب‌نظران از مسائل جوانان است. انتقاد، دغدغه و حسرت متعهدانه مشترک مصاحبه‌ها این است که دولت‌ها و مدیران آسان‌ترین راه‌ها و روش‌ها را برای حل مشکلات پیش‌رو انتخاب می‌کنند و گاهی نیز مشکلات را جابجا می‌کنند. گرایش جوانان به فرقه‌ها و عرفان‌ها و عقاید منحرف و وارداتی، شادی و نیاز به شادی جوانان و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی آنها، فقدان فضاهای عمومی مناسب در شهر و... از نیازها و مسائل جوانان ایرانی در زمینه‌های ۵ گانه است. واژه‌های کلیدی: تجربه نسلی، تئوری زمینه‌ای، جنسیت، مسئله‌شناسی جوانان، هویت.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

طرح مسئله

جوان و جوانی موضوعی اجتماعی و جامعه‌شناسی به‌شمار می‌آید و در برخی متون نیز آن را بیشتر پدیده اجتماعی می‌دانند تا مسئله‌ای جمعیت‌شناختی. جوانی، دوره پویایی زندگی هر انسانی است. سنین ۱۸-۲۹ سالگی را دوره جوانی نامیده‌اند. واقعیت آن است که بخش اصلی شخصیت انسان در همین دوره ساخته می‌شود. هر فرد با بهره‌گیری کافی از این دوره، مطمئناً در آینده آثار آن را به‌وضوح خواهد دید. مسلماً جوان پویا با تکیه بر این اطلاعات و نگرش واقع‌بینانه قادر است زندگی خوب و موفق‌تری برای خود فراهم کند؛ آثار این موفقیت در دوره جوانی، در دوره‌های میانسالی، سالمندی و پیری آشکار می‌شود. براساس پژوهش‌های جوان‌پژوهان، کسانی که در دوره جوانی دیدگاه‌های قوی و مستدل و سلوک مطمئن در زندگی داشته باشند در دوره‌های بعدی زندگی و جهت‌گیری‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان توفیق زیادی حاصل خواهند کرد.

جوانی دوره‌ای اجتماعی و فرهنگی نیز به‌شمار می‌رود؛ دوره‌ای که جوان شرایط لازم برای کنش مستقل در همه زمینه‌ها و صحنه‌های زندگی را می‌یابد. برخی نیز از دیدگاه انتقالی به آن توجه کرده‌اند، زیرا جوان شیوه خاصی از رفتار دارد که با دوره‌های دیگر زندگی‌اش متفاوت است و برخی نیز از جنبه ارزشی بدان می‌نگرند و آن را با خلق‌وخوی خوب مترادف می‌دانند (شفرز، ۱۳۸۳، ۲۳-۴).

به هر حال تعریف جوان بسیار مشکل است زیرا اساساً تعریف انسان مشکل است، به همین علت هرگز آنچنان که باید و شاید به ماهیت آن پی نخواهیم برد. البته این پدیده عام است زیرا تعریف ماهوی درباره هیچ موجودی امکان‌پذیر نیست. اما در میان همه موجودات، انسان توصیف‌کردنی نیست زیرا نخست این‌که پی‌بردن به ماهیت اصلی او ممکن نیست و دوم این‌که انسان تنها موجودی است که آینده‌اش پیش‌بینی‌پذیر نیست زیرا هر لحظه ممکن است تغییر رفتار دهد.

از این جنبه تعریف او از جوانی تلفیقی کامل از تعاریف روان‌شناختی، زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی است.

با آن‌که اغلب صاحب‌نظران معتقدند که جوانی یکی از دوره‌های زندگی انسان است اما برخی درباره آن پرسش بیان کرده‌اند که آیا جوانی دوره‌ای مستقل در زندگی انسان است یا یک

مرحله رشد یا گذر از نوجوانی به بزرگسالی است؟ گروهی از صاحب‌نظران جوانی را دوره‌ای از رشد می‌دانند که بین دوره نوجوانی و میانسالی قرار دارد، اما برخی دیگر برای جوانی اهمیت خاص قائل نیستند بلکه آن را دوره گذر از نوجوانی به بزرگسالی یا ادامه نوجوانی می‌دانند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸، ۲۱۵). پژوهشگر براساس تحلیل نظر صاحب‌نظران، جوانی را دوره خاصی از زندگی در نظر می‌گیرد و براساس آن جوان و جوانی را بررسی می‌کند.

براساس تقسیم‌بندی‌های آماری دبیرخانه سازمان ملل متحد، جوانان در گروه سنی ۱۵-۲۴ سال قرار می‌گیرند؛ سازمان یونسکو نیز این میانگین سنی را پیشنهاد کرده است که درباره آن توافق بین‌المللی وجود دارد.

با وجود میانگین سنی نامبرده، جوان در جوامع گوناگون با توجه به شرایط متغیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است. در تعاریف ارائه شده از سوی بیشتر کشورهای جهان، جوانی سنین ۱۵-۲۵ سالگی است و در تعاریف بسیاری از جوامع در حال توسعه تصورها و تعاریف از جوانان به بیش از ۲۴ سال می‌رسد. در ایران نیز گروه سنی ۱۴-۲۹ سال را جوان می‌دانند (معاونت مطالعات و تحقیقات جوانان، ۱۳۷۸، ۱۸).

در دوره جدید می‌بایست به تغییر اساسی به وجود آمده در ساختار و سازمان جوان و جوانی توجه شود؛ از جمله به وجود آمدن تغییرهای کیفی در زیست جوانی است. به عقیده "تروتا" فرایند نهادینه و نظام‌مند کردن جوانان پا را از مرزهای مجاز فراتر گذاشته است. او با اشاره به دیدگاه‌ها و پژوهش‌های گیلیس می‌نویسد که از اوایل دهه ۶۰ میلادی دگرگونی‌های اساسی در شیوه رفتار و شکل‌های سازمانی جوانان به وجود آمد؛ مهم‌ترین وجوه این تغییرها عبارتند از:

۱. تغییر در رفتار جنسی و آغاز زودرس روابط جنسی در مقایسه با خودداری‌های نسل گذشته. از این دیدگاه سن جوان امروزی نسبت به نسل‌های گذشته کم‌تر است؛ یعنی جوان امروزی زودتر به بلوغ می‌رسد و در نتیجه روابط جنسی‌اش نیز زودتر آغاز می‌شود.

۲. گسترش دامنه خواست اشتراک سیاسی و کوشش برای سازماندهی: مسلماً در نسل‌های گذشته بدین صورت نبود، چه بسا جوان را سالیانی پشت سر می‌گذاشت اما به اشتراک سیاسی و اقدام برای سازماندهی نیاز نداشت.

۳. پیدایش نظام‌های گوناگون در تحصیلات ابتدایی و متوسطه و سرانجام استحکام فرایند پیدایش سازمان جوانان در نقش یک پدیده اجتماعی: همه این مسائل شاهدی بر این

مدعا هستند که تظاهر توده‌وار جوانان ساختار کنترل اجتماعی کنونی را بی‌معنا و شفافیت ترکیب اجتماعی را کم کرده‌اند (گبینز، ۱۷، ۱۳۸۱).

بنابر گفته‌ها، مشخص کردن مشکلات جوانان ضروری‌ترین کاری است که می‌بایست درخصوص جوان ایرانی انجام شود. برای بررسی مشکلات جوان ایرانی می‌بایست برخی از مسائل جوان ایرانی را که با آنها روبه‌روست برشماریم:

۱. مشکلات جوان از جنبه انسان‌بودن.
۲. مشکلات جوان از جنبه زندگی در آسیا.
۳. مشکلات جوان ایرانی از جنبه ایرانی‌بودن.
۴. مشکلات جوان ایرانی از جنبه جوان و ایرانی‌بودن.
۵. مشکلات جوان از جنبه مسلمان‌بودن.

به مسائل نامبرده این نکته نیز اضافه می‌شود که اساساً دگرگونی (عبور از مرحله گذار) سخت و مشکل‌ساز است؛ زیرا ماندن در یک شرایط و عادت‌کردن به آن نیازمند صرف انرژی زیادی نیست اما گذر از دوره کودکی و ورود به دوره نوجوانی و پس از آن دوره جوانی با مشکلاتی همراه خواهد بود. استانی‌ها در تلاش برای بیان تعریفی علمی و دقیق از دوره نوجوانی، آن را دوره مسئله‌ساز توأم با هیجان‌ها و فشارهای عصبی توصیف می‌کند. به عقیده او نوجوان و جوان در یک مرحله گذار دشوار از دیدگاه روان‌شناختی، خود را با تغییرات زیستی بدن خود هماهنگ می‌کنند؛ همراه با آن تغییراتی را در خلق‌وخوی و احساس‌های خود تجربه می‌کنند. این تغییرات خودبه‌خود عامل مشکلاتی هستند زیرا جابه‌جایی مشکل‌زاست. نظریه استانی‌ها در بعدها در جامعه‌شناسی جوان جایگاه ویژه‌ای یافت و صاحب‌نظران از دوره نوجوانی و جوانی به مرحله‌ای مسئله‌ساز در زندگی یاد کرده و این موضوع نیز همچنان جای خود را در مباحث و نظریه‌پردازی‌های مربوط به جوانان حفظ کرده است. کلمن و هنری نیز دوره نوجوانی را، دوره کنارآمدن نوجوانان و جوانان با تغییرات هورمونی می‌دانند (کلمن و هنری ۱۹۹۰: ۲۷).

بی‌توجهی به هر یک از این ویژگی‌ها ممکن است سبب غفلت از برخی مسائل باشد که جوان ایرانی درحقیقت با آن روبه‌رو است. اما این مشکلات ممکن است در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی و... باشد که در این پژوهش همه مشکلات نامبرده بررسی شده است. از این‌رو در این پژوهش علاوه بر آسیب‌شناسی و مسئله‌شناسی جوانان در زمینه‌های

گوناگون، با استفاده از رویکرد پژوهش‌های فرهنگی و جامعه‌شناسی پسا ساختارگرا به جوان در نقش یک کنشگر و عامل در ساختن فرهنگ جامعه پرداخته‌ایم.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی این پژوهش و مصاحبه اکتشافی این است که چه مسائلی را صاحب‌نظران مسائل جوان، مهمترین مسائل جوانان ایرانی می‌دانند؟ به تعبیر دیگر این‌که جوانان ایرانی با چه مشکلاتی و چرا دست و پنجه نرم می‌کنند؟ و پرسش‌های دیگر عبارتند از؟

۱. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص مسائل معرفتی- فرهنگی چه مسائل و مشکلاتی دارند؟ چرا؟

۲. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص دین و اخلاق با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟ چرا؟

۳. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص سیاست و مدیریت با چه مشکلاتی روبه‌رو هستند؟ چرا؟

۴. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص جامعه و امور اجتماعی چه مسائل و مشکلاتی دارند؟ چرا؟

۵. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص روان‌شناسی با چه مسائل و مشکلاتی درگیرند؟ چرا؟

۶. از دیدگاه صاحب‌نظران، جوانان ایران درخصوص اقتصاد چه مشکلاتی دارند؟ چرا؟

پیشینه پژوهش

طرح‌های پژوهشی و سایر منابع پژوهشی وضعیت جوانان در ایران اغلب بر مبنای شیوه اطلاع‌رسانی آماری فراهم شده‌اند و کم‌تر به بررسی علل و راه‌حل‌های مربوط به مشکلات جوانان اختصاص یافته‌اند. درحقیقت برای جوانان در دنیا و ایران کارهای بسیاری انجام شده است که در جای خود و زمینه مرتبط بسیار مفید و مؤثر بوده‌اند. کتاب‌های گوناگونی (شرفی، ۱۳۸۰ الف و ۱۳۸۰ ب؛ آخوندی، ۱۳۸۳؛ محمدی، ۱۳۸۳؛ ذکایی، ۱۳۸۶؛ یوسفی، ۱۳۸۳؛ آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳) درخصوص جوانان به نگارش درآمده است که به محتوای آنها نمی‌پردازیم و

پژوهش‌های تجربی بسیاری نیز انجام شده است که در این پژوهش به سه نمونه مهم‌تر اشاره می‌کنیم.

۱. بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها: این پژوهش معتقد است که با بررسی نظام ارزش‌های پسران و پدران و بررسی تفاوت‌ها و تشابه‌های نسلی، به این نکته دست می‌یابیم که مسئله شکاف نسل‌ها و وجود تفاوت بین ارزش‌های پسران و پدران عمومیت دارد؛ و عوامل و متغیرهای اجتماعی فقط در میزان این شکاف مؤثر است و این پدیده در نقش یک پدیده عام در جامعه ما وجود داشته است اما سطح این تفاوت ارزشی با توجه به نتایج پژوهش در دو سطح شکاف سطحی و عمیق دسته‌بندی می‌شود (تیموری، ۱۳۷۳: ۱۷۵-۱۴۵).

۲. بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) به ارزش‌های اجتماعی: براساس یافته‌های پژوهش، بین نگرش مادران و دختران نسبت به تحصیل و اشتغال زنان در خارج از خانه و حجاب و نیز رابطه دوستی دختران و پسران توافق وجود داشته و نگرش‌های آنان متفاوت نبوده است. البته درخصوص حجاب کمی تفاوت دیده شد. همچنین بین جایگاه اقتصادی خانواده با نگرش دختران نسبت به هیچ‌یک از ارزش‌های نامبرده ارتباط معنادار وجود نداشت؛ ولی نگرش مادران نسبت به تحصیل و اشتغال زن، متأثر از موقعیت اقتصادی بود؛ و بیشتر افراد با جایگاه اقتصادی بالا نسبت به تحصیل و اشتغال زن در خارج از خانه، گرایش مثبت داشته‌اند (جلیلود، ۱۳۷۵، ۱۵۵).

۳. آزادارمکی و غفاری (۱۳۸۳) در کتاب *تحلیل جامعه‌شناختی روابط نسلی* که نتیجه پژوهش پیمایشی است سه رویکرد را درخصوص روابط نسلی بیان می‌کنند: رویکرد صوری، رویکرد تغییرات متوازن و رویکرد تراحمی؛ سپس درباره هر یک توضیح می‌دهند و درنهایت رویکرد دوم (تغییرات متوازن) را با دلایلی همچون توافق‌گرایانه بودن آن، برای پژوهش خود برمی‌گزینند و آنرا این‌چنین توصیف می‌کند: این رویکرد "به تغییرات متوازن فرهنگ در نسل توجه کرده است و معتقد است که تغییرات همزمان و متوازن موجب شده است تا توازن معناداری بین فرهنگ و نسل بروز کند. به گونه‌ای که باوجود ناموزونی اولیه در مرحله جدید، پس از تغییر و شکل‌گیری نسل جدید همراه با نیازها و علایق گسترده‌اش، همچنان تعلق خود را به ساختار فرهنگی حفظ می‌کند که ریشه در گذشته تاریخی او دارد.

مبانی نظری

رابرت مرتن: دلیل اصلی استفاده از دیدگاه مرتن در بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی، به‌خصوص درخصوص جوانان، نتایج پژوهش‌های پیشین است که یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جوانی در همهٔ جوامع را فقدان انطباق ابزار و اهداف و انتظارات می‌داند. مرتن کوشید تا در چارچوب این تئوری تغییرات ارزش‌ها و گروه‌های مرجع آمریکا را بررسی کند. در رویکرد بر ساختارگرایی در بررسی تحول‌های جامعه، بر نقش فعال کنشگران و مردم بسیار تأکید شده است. فرضیهٔ اصلی مرتن این بود که گروه مرجع منفی سبب سردی روابط والدین با فرزندان شده است و خانواده دیگر در نقش گروه مرجع اصلی در تنظیم روابط اجتماعی، ایفای نقش نمی‌کند. بدین سبب مرتن با بیان سیال‌بودن منابع و معیارهای داوری افراد دربارهٔ ارزش‌ها و هنجارها، تعامل ساختارها و مردم را مبنا و معیار پذیرش یا رد یک نظام یا مجموعهٔ ارزشی دانسته‌اند. در روش تحلیلی مرتن، هنگامی که اهداف و ابزار جامعه با هم متناسب نباشند یا ناهمخوانی داشته باشند، هنجار و ارزش‌هایی در جامعه متولد می‌شود:

۱. اهداف، آرزوها، انتظارات و ارزش‌های فرهنگی.

۲. راه‌ها و ابزار دستیابی به این اهداف که اغلب در هر فرهنگی، تنظیم و مهار شده است و مشروعیت آنها از سوی نظام فرهنگی در جامعه از پیش مشخص و اعلام شده است. مرتن درواقع با بیان موضوع گروه مرجع در پی بیان تأثیر گروه‌های مرجع بر مناسبت‌های نهاد خانواده در جامعهٔ مدرن بوده است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که تأثیر گروه مرجع ثانوی، به‌ویژه درخصوص ارزش‌ها و رفتارهای نوجوانان سبب شده است میزان اطاعت‌پذیری فرزندان از والدین و نهادهای رسمی تر کاهش یافته است و نقش گروه مرجع منفی را داشته‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۴، ۳۲).

آنتونی گیدنز: او معتقد است که زندگی اجتماعی امروزی علاوه بر بازتابندگی نهادین خود، روش‌هایی را در دل خود به فرهنگ عمومی ارائه می‌کند که روابط اجتماعی را از قید ویژگی‌های محلی می‌رهاند و با زمینه‌های اجتماعی دیگر ترکیب می‌کند. این ساختار جدید، ماهیت، انتظارات و الگوهای زندگی روزمره را تغییر می‌دهد. گیدنز، معتقد است که ویژگی مدرنیته و تجدد، خطر کردن است. مفهوم خطرکردن که سامان‌دهندهٔ حیات اجتماعی است شالودهٔ رفتارها و اعمال افراد ساده و متخصصان را تشکیل می‌دهد. از این‌رو گیدنز معتقد است

که مختصات زندگی نسل‌ها، در شرایط اجتماعی جدید دگرگون شده است. این دگرگونی در نظام فکری گیدنز، در مفاهیم و اندیشه‌هایی مانند شیوه زندگی، اعتماد، رابطه ناب، خصوصی‌سازی شور و شوق انعکاس یافته است. همچنین به نظر گیدنز، اختلاف بین نسل‌ها گونه‌ای به حساب آوردن زمان در جامعه مدرن است. از دیدگاه او، عوامل بسیاری در بیان تعریف جدید از هویت شخصی مؤثرند؛ تغییر در بیان تعریف جدید از هویت شغلی، تغییرات و نقش‌های اجتماعی جدید و ارزش‌های تازه‌ای خلق می‌کند یا تعریف جدید از روش زندگی^۱، تعریف جدیدی از برنامه‌های زندگی ارائه می‌دهد و نتیجه عملی آن، تغییر رفتارها و تحول هنجارها و ارزش‌ها درخصوص مصرف و بازتولید آن است. در مصاحبه‌ها نیز ارجاع‌های مصاحبه‌شونده‌ها به مفاهیم و واژه‌های کلیدی گیدنز از جمله تغییر صمیمیت و روش زندگی و روابط نسلی بسیار مشهود و بارز بوده است. از سویی جامعه‌شناسان و پژوهشگران برجسته درخصوص مسائل جوانان در دوران پسامدرن، ارجاع‌های نظری خود را به سمت و سوی نظریه‌های گیدنز معطوف کرده‌اند (جلایی‌پور، ۱۳۸۴، ۱۱).

از دیدگاه گیدنز نیز مدرنیزاسیون، اغلب بر روندهای اخیر در تغییر و تحول خانواده تمرکز کرده است (گیدنز، ۱۹۹۱؛ بک و بک-گرنشایم، ۱۹۹۵). در حالی که برخی از روابط متغیر در درون خانواده - بین خود والدین و بین والدین و فرزندان- تأکید کرده‌اند. به عقیده گیدنز، مدرنیزاسیون نیز فقط شامل متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه جابه‌جایی عمیق نگرش‌ها، عقاید و رفتار را دربرمی‌گیرد که جابه‌جایی اجزای فرهنگی است. هرچند ارزش‌های غالب در جامعه صنعتی آشکارا به رفع و تکمیل نیازها گرایش دارند؛ با ثبات اقتصادی، گرایش به استانداردهای بالاتر زندگی فراهم می‌شود. در نتیجه ارزش‌های پست‌مدرن جوامع پیشرفته صنعتی را در پی دارد مانند علایق زیباشناختی و خردمندی، احساس تعلق به جمع و جامعه بیشتر آموزش دیده و غیرشخصی (خالقی فر، ۱۳۸۱، ۱۰۴-۱۰۳). از دیدگاه گیدنز، تضاد هنجاری محصول فرایندی است که وی آن را «تجدد علیا» نامیده است. وی معتقد است که شرایط جدید، کنشگران را به فضایی با خطرهای احتمالی بی‌سابقه وارد می‌کند که نسل‌های پیشین به هیچ‌وجه با آنها سروکار نداشتند. این فضا، نتیجه دو زیست جهان مختلف «سرشار از واقعیت» و «تهی از هویت شخصی» است (گیدنز، ۱۳۷۸، ۱۶۱). از این‌رو گیدنز نیز روابط نسلی را از جنبه نوسازی بررسی

کرده است. همچنین به عقیده گیدنز، روابط خانوادگی و نسل‌ها در مجموع رویه‌ای تاریک و پُر تنش است و به تجزیه عاطفی خانواده منجر می‌شود؛ بنابراین نبایست در این زمینه اغراق کرد.

رونالد اینگلهارت: اساس کار اینگلهارت بررسی تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع است. یکی از مهم‌ترین متغیرهای تحلیلی وی در پژوهش‌هایش، نسل و گروه سنی است و بسیاری از پژوهش‌های وی بر این مبنا قرار دارد. بر همین اساس، اینگلهارت در پژوهش خود وجود مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را سبب تغییرات در سطح فردی و سرانجام پیامدهایی برای نظام می‌داند. وی تغییرات در سطح نظام را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت گسترده‌تر از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجربه‌های متفاوت گروه‌های سنی مانند فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (همان، ۵). به عقیده او افزایش کامیابی اقتصادی، منجر به برآورده شدن بهتر نیازهای بنیانی در سال‌های شکل‌گیری افراد می‌شود (سال‌های پایانی نوجوانی) که خود منجر به ارزش‌های ماتریالیست کمتر از نسلی به نسل دیگر می‌شود. بر این مبنا اینگلهارت به تأثیر قشربندی اجتماعی توجه می‌کند. به نظر می‌رسد خانواده‌های ثروتمند نسبت به خانواده‌های فقیر، کمتر جوانان ماتریالیست پرورش می‌دهند. نظریه دگرگونی ارزشی او، جابه‌جایی از اولویت‌های مادی به سوی اولویت‌های معنوی را به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند (آزادارمکی، ۱۳۸۳، ۵۵). به عقیده وی افزایش امنیت سبب گونه‌ای تغییر ارزش به سوی ارزش‌های سکولار، تحمل بیشتر، اعتماد، آسایش ذهنی و دیدگاه معنوی می‌شود. در حالی‌که از هم‌پاشیدگی اقتصادی و اجتماعی، جامعه را در جهت مخالف سوق می‌دهد؛ از جنبه نظری، افزایش امنیت وجودی عامل اصلی در تغییر ارزش‌های بین نسلی است. زیرا نسل‌ها حافظه‌ای جمعی دارند که در سنین اولیه زندگی آنان شکل می‌گیرد. بنابراین انتظار تفاوت اساسی بین ارزش‌های جوانان و سالمندان در جایی وجود دارد که شاهد رشد احساس امنیت باشیم. از نظر اینگلهارت، در فرایند صنعتی شدن، هنجارهای سنتی و دینی از میان رفتند؛ این موضع جبرگرایی اقتصادی صرف را بومی‌تر از پیش کرد. برتری یک الگوی تک‌عاملی پذیرفته شده، تأثیر به‌سزایی بر چگونگی تفسیر مردم سراسر جهان از واقعیت داشته است (همان، ۱۶).

نظریه ترکیب‌بندی استوارت هال: نظریه ترکیب‌بندی استوارت هال که بیانی از سیال‌بودن هویت در نسل‌ها ارائه می‌دهد به بررسی خرده‌فرهنگ‌های جوانان و همسویی والدین با نظم فرهنگی جدید اهمیت می‌دهد.

ترکیب‌بندی به مجموعه پیچیده‌ای از کردارهای تاریخی گویند که با استفاده از آنها می‌کوشیم از پیچیدگی و تفاوت و تناقض، گونه‌ای هویت یا وحدت ساختاری بیافرینیم. ترکیب‌بندی حاکی از نبود ضمانت‌هاست و نشان می‌دهد که پیشاپیش قادر به درک اهمیت تاریخی کردارها نیستیم. هال نیز وحدت صرف و پیچیدگی مطلق شکل‌بندی اجتماعی را رد می‌کند. بنا به استدلال او، تناظرها یا همانندی‌ها به شیوه‌ای تاریخی و در متن تاریخ شکل می‌گیرند و موضوع درگیری بر سر قدرت هستند. جامعه گونه‌ای «وحدت پیچیده» است که همواره متأثر از تعیین‌کننده‌های متعارض و چندگانه است و همواره از جنبه تاریخی خاص است. هال معتقد است نظام هژمونیک همواره می‌کوشد تا شیوه خود برای برساختن امر اجتماعی را در نقش وضعیتی «عینی» معرفی کند. اما عینیت چیزی نیست مگر گفتمان مسلط (قنبری، ۱۳۸۹، ۱۱۸). استوارت هال در دو اثر خود «مقاومت از طریق آداب و رسوم»^۱ و «نظارت بر بحران‌ها»^۲، به تناسب فرهنگ جوانان و فرهنگ رسمی توجه کرده است. دیدگاه‌های هال در این دو اثر ارتباط مستقیم به موضوع این پژوهش دارد. «مقاومت از طریق آداب و رسوم» (هال و جفرسون، ۱۹۷۶) به بررسی خرده‌فرهنگ جوانان بریتانیا می‌پردازد. موضوع این بررسی، گفت‌وگوی بین فرهنگ هژمونیک و فرهنگ فرودست والدین است؛ در این اثر هژمونی در معنای دیدگاه گرامشی استفاده می‌شود، یعنی دوره‌ای که در آن یک بلوک قدرت با به‌دست‌آوردن رضایت عموم گونه‌ای جهان‌بینی را به فرودستان القا می‌کند؛ برای نمونه دهه ۱۹۵۰ به دوره کلاسیک «سلطه هژمونیک» در بریتانیا توصیف می‌شود (همان، ۱۲۳-۱۲۱).

جمع‌بندی نظری: مسائل زندگی جوانان از یک سو پیامد تحولات اجتماعی- فرهنگی‌اند و از سوی دیگر شکل‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی‌اند. نتیجه این دیالکتیک میان عاملان و شرایط تاریخی جوانان، جهان‌های فرهنگی مختلفی است که در زمینه فرهنگی و اجتماعی ایران چالش‌برانگیزند. موضوع اصلی چالش، تحمیل «تعریف مشروع و معیار» از زندگی و عناصر مهم آن است. البته چیرگی هریک از این شیوه‌های زندگی یا این جهان‌ها بر یکدیگر، منافع بسیاری

1. Resistance Through Rituals

2. Policing The Crises

برای اعضای آن خواهد داشت. این چالش گاه همزیستی در زمینه‌های مختلف نظام و زیست جهان به گونه‌ای متفاوت جریان دارد. از سویی موج نوین گسترش مصرف‌گرایی و تنوع روش‌های زندگی در ایران با پایان یافتن شرایط اجتماعی دوران جنگ و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی آغاز شد. پدیداری نسل سوم انقلاب، ورود گسترده محصولات جهانی به ایران، گسترش ارتباطات جهانی و فراملی، تحول در زمینه ارتباط جمعی در ایران و جهان، نمایانی پیامدهای انقلاب اسلامی و... نیز از جمله فرایندهایی بودند که سبب گسترش مصرف و روش‌های زندگی مصرفی در ایران شدند و عامل مهمی در برساختن هویت جدید و نیازهای جدید برای جوان ایرانی شده است و این دیدگاه ممکن است تلاقی عقاید گیدنز، مرتن و استوارت هال باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش‌ها در زمینه علوم انسانی به دلیل پیچیده‌بودن، نیازمند کاربرد بیش از یک روش (یا کاربرد یک روش با تکنیک‌های متعدد) هستند. روش این پژوهش، زمینه‌ای یا گزند تئوری است. اطلاعات و داده‌های ضروری نیز از ۵۰ مصاحبه با صاحب‌نظران درخصوص مسائل جوانان ایران به دست آمده است. در روش‌های کیفی، نمونه‌گیری به گونه‌ای است که پژوهشگر می‌بایست در زمینه محتوا اشباع‌شدگی را احساس کند یعنی پژوهشگر تکراری بودن موضوع‌ها و مفاهیم را احساس کند (شوسلر، ۱۳۷۸، ۴۰۹). در روش‌های کیفی و به‌ویژه در مصاحبه‌ها به‌کارگیری انتخاب هدفمند نمونه‌ها امکان‌پذیر است؛ بنابراین اصل مهم همان اشباع‌پذیری است.

جدول ۱. پخش نمونه آماری برحسب زمینه‌ها و مرتبه علمی

تعداد	حوزوی	استادیار	دانشیار	مریی	
۱۶	۵	۹	۱	۴	زمینه دینی- اعتقادی
۱۱	۲	۶		۳	زمینه روان‌شناسی
۵	-	۳	۱	۱	زمینه جامعه‌شناسی
۴	-	۲	۲	-	زمینه فرهنگی- ادبی
۶	۱	۳	۲	۲	زمینه علوم سیاسی
۳	-	۱		۲	زمینه اقتصادی
۴	۱	۲	۲	-	زمینه مسائل اجرایی- مدیریتی
۵۰	۹	۲۶	۸	۱۲	جمع

تحلیل نشانه‌شناختی - ساختگرایانه مصاحبه‌ها

هر متنی گونه‌ای خوانش برتر دارد؛ یعنی خوانشی که عوامل تولید (که ارتباط تنگاتنگ با بلوک قدرت دارد و دامنه گسترده‌ای از مسائل مالی، فنی و فرهنگی و نیز فعالیت‌های حرفه‌ای و صنعتی را دربر می‌گیرد). به واسطه تأکید بر برخی از رموزها (رمزهای فنی، اجتماعی و ایدئولوژیک) آن را برجسته می‌کنند و با استفاده از راهکارها، شگردها و سازوکارهای خاصی مخاطبان را به پذیرش آن فرامی‌خوانند. روش این پژوهش برای تعیین خوانش مرجح مصاحبه‌ها، بررسی نشانه‌شناختی - ساختگرایانه رموزهای اجتماعی و ایدئولوژیک و تاندازه‌ای رموزهای فنی آنهاست. تصویری که مصاحبه‌ها از جوانان، جامعه و روابط اجتماعی ارائه می‌دهند پیشاپیش با رموزهای اجتماعی (پوشاک، ظاهر، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکت سر و دست، صدا و...) و رموزهای ایدئولوژیک (مانند فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و...) رمزگذاری شده است. رمزگان عبارتند از قالب‌های تفسیری که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برای رمزگذاری و رمزگشایی رخدادها به کار می‌گیرند.

یکی از دلایل استفاده از روش کیفی تئوری مبنایی در این پژوهش نیز جست‌وجوی فهم کامل‌تر تجربه و اندیشه صاحب‌نظران درباره مسائل جوانان ایران است. اگرچه آمار، دورنمایی از وضعیت کلی مسائل جوانان به دست می‌دهند، اما هیچ‌گاه قادر به شناسایی فرایندهای شکل‌گیری مسیر آنها نیستند. در این پژوهش تمرکز اصلی در مرحله جمع‌آوری داده‌ها بر مصاحبه‌های عمقی با صاحب‌نظران زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... درخصوص مسائل جوانان بوده است. در گراند تئوری، به مصاحبه با افراد و کارشناسان درگیر با مسئله و بررسی اسناد و مدارک موجود در سازمان‌ها توجه شده است.

کدگذاری باز

مرحله نخست بررسی اطلاعات، کدگذاری باز نام دارد که در آن موضوع‌ها و مشخصات آنها کشف می‌شود (گلنیز، ۱۹۹۲: ۴۴). پس از آن که مصاحبه به شکل نوشتاری درآمد، پژوهشگر، خط به خط آن را برای یافتن کدها بررسی می‌کند (همان، ۱۱). این پرسش‌ها پژوهشگر را در سراسر فرایند کدگذاری و بررسی، حساس نگه می‌دارد و پژوهشگر را وادار می‌کند تا با تمرکز بر الگوی رخداد پدیده‌ها و مفهوم‌سازی از توصیف صرف فراتر روند. با آغاز پژوهش، بدون هیچ‌گونه موضوع از پیش تعیین‌شده، در مرحله کدگذاری باز، اطلاعات خام را در قالب کدهای

جداگانه شکسته که در نهایت به شکل‌گیری موضوع‌ها می‌انجامد. فرایند موضوع‌سازی و کدگذاری تا جایی ادامه می‌یابد که به بهترین شکل داده‌ها آشکار شود.

• کدگذاری تئوریک

مفهوم‌سازی از داده‌ها هنگام کدگذاری، بنیان اصلی روش تئوری مبنایی است. تحلیل و کدگذاری داده‌ها با مقایسه مداوم برای شکل‌گیری کدهای اسمی و در مرحله پس از کدهای تئوریک انجام می‌شود. یک کد، الگوی مستمر در مجموعه وقایع مرتبط در داده‌ها را مفهوم‌سازی می‌کند. کدگذاری پژوهش را از سطح تجربی جدا می‌کند و گروه‌بندی کدها زمینه ظهور تئوری را فراهم می‌کند. یک کد، به پژوهشگر دیدگاهی انتزاعی از کلیت داده‌ها می‌دهد که پیش از کدگذاری بی‌ارتباط و مجزا به نظر می‌رسد. کدهای اسمی، مواد تجربی زمینه پژوهشی را مفهوم‌سازی می‌کنند و کدهای تئوریک، روابط میان کدهای اسمی را برای شکل‌گیری فرضیه‌ها و تئوری‌ها مفهوم‌سازی می‌کنند. کدگذاری تئوریک همزمان با پیشروی کدگذاری باز ادامه می‌یابد. در حالی که کدگذاری باز، داده‌ها را به مفاهیم و گروه‌ها تقسیم می‌کند، کدگذاری تئوریک دوباره داده‌ها را به سوی یکدیگر باز می‌گرداند و میان موضوع‌های اصلی و فرعی روابط جدیدی برقرار می‌کند. در این مرحله از کدگذاری، مفاهیم به‌گونه‌ای ارتباط می‌یابند که به شکل‌گیری تئوری‌ها منجر می‌شود.

گلیزر مجموعه‌ای از خانواده‌های کدگذاری را معرفی می‌کند که فرایند تحلیل داده‌ها و شکل‌گیری تئوری را هدایت می‌کند. این خانواده‌های تئوریک نوع پرسش‌هایی را مشخص می‌کند که در فرایند تحلیل در مواجهه با داده‌ها باید بیان شوند؛ برای نمونه موضوع "علت" این پرسش را مقابل داده‌ها بیان می‌کند که چه عاملی موجب بروز رفتار شده است یا موضوع "مرحله" از وجود مراحل مختلف در فرایند بروز رفتار می‌پرسد (گلیزر، ۱۹۷۸: ۸۲-۷۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل در این پژوهش در دو قسمت سامان یافته است. در قسمت اول فرایند کدگذاری و همه کدهای به‌دست آمده و در قسمت دوم نیز تحلیل یافته‌ها و نتایج داده‌ها بیان می‌شود.

کدگذاری

در روش‌شناسی توضیح داده شد که یکی از مراحل مهم روش این پژوهش، کدگذاری و شناسایی همه کدهای اشاره‌شده در متن (مصاحبه) است. در کدگذاری اولیه موضوع‌بندی (۵۶۰) کد به دست آمد. و عاملی شدن و عاملی کردن کدها مدنظر نیست بلکه انباشت و بررسی همه آرا و اشاره‌هایی است که هدف پژوهش بوده است.

یافته‌ها و نتایج تحلیلی پژوهش

براساس داده‌های این پژوهش، عبارت «بحران جوانی» برای بیان وضعیت جوانان امروز ایران تا اندازه زیادی اغراق‌آمیز و گمراه‌کننده است. در واقع ما با قشر گسترده‌ای از جوانان در کشور روبه‌رو هستیم که مسائل و مشکلاتی دارد و البته بسیار جدی است و بر همان اساس خواسته‌هایی نیز دارد که می‌بایست به آنها پاسخ داده شود. ناگفته پیداست که در صورت بی‌توجهی به این خواسته‌ها و نیافتن راه‌حل برای مسائل، چه بسا بحران در راه باشد.

بر این اساس در این پژوهش کوشیدیم مهم‌ترین مسائل و مشکلات جوانان را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی با مصاحبه‌های عمیق با صاحب‌نظران، بررسی کنیم؛ همچنین با توجه موضوع‌های نامبرده، بررسی کنیم که مفاهیم نامبرده به چه معنا/معانی به‌کار رفته‌اند و مسئله‌ساز بودن آنها برای جوانان از کجا و چه زمان آغاز می‌شود یا کجا و چه زمانی این مفاهیم برای جوان ایرانی مسئله و مشکل یا بحران به‌وجود می‌آورد. پرسش اصلی این پژوهش و مصاحبه اکتشافی این است که صاحب‌نظران مسائل جوانان در ایران چه مسائلی را مهم‌ترین مشکلات جوانان ایرانی می‌دانند؟ پرسش بعدی این است که دلایل و عوامل اصلی این مسائل را چه می‌دانند؟ و چه راه‌حلی برای مسائل پیشنهاد می‌کنند؟

در این پژوهش نخست مسائل جوانان در چند زمینه بررسی شده است: زمینه فرهنگی-اخلاقی که مسائل دینی-اعتقادی را نیز دربر می‌گیرد، زمینه سیاسی-اداری، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی. هدف این پژوهش مسئله‌یابی جوانان است تا با رده‌بندی آنها و ارائه به مسؤلان، در راستای رفع آنها قدمی بردارد.

جوانی و نسل جوان

ابتدا باید با استفاده از مصاحبه‌ها برداشتی از مفهوم جوانی داشته باشیم. از جنبه روان‌شناختی و همچنین نظام ارزشی، جوانی دوره‌ای از زندگی انسان تلقی می‌شود که ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارد که برخی از آنها عبارتند از: هیجان زیاد، رشد آگاهی، آرمان‌خواهی، استقلال‌طلبی، تأثیرپذیری، خودآرایی و توجه به زیبایی‌های ظاهری، تنوع‌طلبی، گرایش و توجه به جنس مخالف، بی‌ثباتی، علاقه به گروه همسال، هویت‌یابی، نوخواهی و نوگرایی، تغییرجویی و روش زندگی خاص، مصرف خاص و... .

از جنبه سنی، مهم‌ترین دسته‌بندی انجام‌شده برای جوانی ۱۸-۲۹ سال است. این دوره از دبیرستان تا آخرین مقاطع تحصیلی دانشگاهی را دربرمی‌گیرد و افراد کم‌کم به «مسئولیت‌پذیری» در اجتماع وارد می‌شوند و تعهداتی در زمینه‌های اشتغال، ازدواج و خانواده به عهده می‌گیرند. «درواقع این دوره، دوره جوانی در جامعه است؛ از جنبه میزان مشارکت‌های سیاسی نیز کم‌کم با شرکت در انتخابات فعالیت خود را آغاز می‌کنند.» به گفته یکی از کارشناسان: «جوانی دوره ورود به زمینه‌های مختلف اجتماعی است و جوان می‌کوشد با به‌کارگیری استعدادهای خود در این زمینه، در اجتماع خویش تأثیرگذار باشد».

از دیدگاه جامعه‌شناختی، «جوانی» فقط یک تجربه روان‌شناختی فردی نیست بلکه تجربه‌ای اجتماعی است و این موضوع باعث مطرح‌شدن موضوع جامعه‌شناختی مهم دیگری با نام «نسل» می‌شود. یک نسل عبارت است از یک گروه اجتماعی که در نتیجه «تجربه مشترک دوره‌ای از زندگی» به وجود آمده است و در هر جامعه با تغییرات اجتماعی سریع، هر نسل از نسل پیش و پس از خود متمایز است. بنابراین در جامعه‌شناسی به خویشاوندان، کمتر از «آگاهی یک گروه» اهمیت داده می‌شود که در زمانی مشخص، متولد شده و تجربه‌ها، منافع و دیدگاه مشترک دارد. بر این اساس، نسل جوان پس از انقلاب اسلامی موضوع این پژوهش، با تجربه‌های تاریخی خاصی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (در سطح ملی و جهانی) روبه‌رو شده‌اند. تجربه نظام سیاسی جدید، گسترش بی‌سابقه ارتباطات رسانه‌ای جهانی، تحولات جمعیتی و اجتماعی، جنگ، اصلاحات سیاسی و اقتصادی و... تحولاتی بوده‌اند که بر نسل پس از انقلاب تأثیر گذاشت، که مهم‌ترین سال‌های عمر خود را با آنها روبه‌رو بوده است و خود نسل جوان نیز

در تأثیرگذاری بر این تحولات سهم بوده‌اند و با مسائل مهم و جدید نیز روبه‌رو شده‌اند؛ این پژوهش، مهم‌ترین مسائل این نسل را بررسی می‌کند. در این بخش با استفاده از روش گراند تئوری و در سه مرحله با کدگذاری اولیه، کدگذاری باز و در نهایت کدگذاری تئوریک کوشش شده است که داده‌های حاصل از مصاحبه با کارشناسان موضوع‌بندی و تجزیه و تحلیل شود.

اولویت‌بندی مسائل جوانان

در این پژوهش، مسائل جوانان در چند زمینه بررسی و تحلیل خواهد شد که این زمینه‌ها عبارتند از: زمینه فرهنگی- معرفتی (که مسائل اخلاقی و دینی- اعتقادی را نیز دربر می‌گیرد)، زمینه سیاسی- اداری، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی. البته بیان این نکته ضروری است که مسائل انسانی، ماهیت چندگانه دارند و محدودکردن مسائل به زمینه‌های خاص بسیار سخت است؛ برای نمونه مسئله بی‌کاری هم اقتصادی و هم اجتماعی است؛ هم ابعاد و پیامدهای روان‌شناختی دارد و هم فرهنگی. به‌ویژه یک مسئله سیاسی- مدیریتی نیز است زیرا یکی از وظایف دولت‌ها، اشتغال‌زایی و کاهش بی‌کاری بوده است. در بسیاری از مسائل، این چندگانگی وجود دارد به‌ویژه این که از دیدگاه کارشناسان، مسائل زمینه‌های مختلف در شبکه‌ای درهم تنیده بر هم اثر می‌گذارند.

با وجود درهم‌تنیدگی مسائل مربوط به جوانان، کوشیدیم از جنبه «تحلیلی» زمینه مسائل جوانان را در مصاحبه با کارشناسان تا اندازه‌ای مشخص و آنها را طبقه‌بندی کنیم. در این طرح، با استفاده از روش گراند تئوری و تحلیل خط به خط مصاحبه‌ها و کدگذاری‌های اولیه، جدولی به‌دست آمد که در «پیوست» آمده است و آن را جدول کدگذاری اولیه نامگذاری کردیم. در مرحله کدگذاری باز، براساس «رویکرد گلنزر» در گراند تئوری، موضوع‌هایی مرتبط با «مسائل جوانان ایرانی» به‌دست آمد که ۸۳ موضوع در جدول کدگذاری باز برشمرده شده است.

در این پژوهش با توجه به تجزیه و تحلیل موضوع‌های کدگذاری اولیه و باز در مسائل جوانان در زمینه‌های مختلف، با توجه به نظر کارشناسان «مسائل اقتصادی» از جنبه اهمیت در اولویت قرار گرفته است. البته از دیدگاه کارشناسان، مسائل فرهنگی و آموزشی فراوانی بسیار بیشتری نسبت به مسائل اقتصادی داشتند و مسائل اقتصادی فقط از جنبه اهمیت و اولویت بیشتر

مدنظر بوده‌است. درمجموع در اولویت‌بندی «زمینه‌های مسائل»، با توجه به کدگذاری تئوریک، جدول ۲ به‌دست آمد.

جدول ۲. موضوع‌های به‌دست آمده از کدگذاری تئوریک

موضوع‌ها	ردیف
مسائل اقتصادی	۱
مسائل فرهنگی (آموزشی، اخلاقی، معرفتی، دینی)	۲
مسائل اجتماعی	۳
مسائل روان‌شناختی	۴
مسائل سیاسی-اداری	۵

به عقیده کارشناسان، مسائل مربوط به هر یک از این زمینه‌ها نه تنها جدا از همدیگر نیستند بلکه کاملاً با هم مرتبطند و در کنشی متقابل با هم عمل می‌کنند. مسائل اقتصادی همچون بی‌کاری، درآمد ناکافی، هزینه مسکن، فضای کسب و کار نامناسب و... مادر بسیاری از مسائل روانی، سیاسی و اخلاقی به‌شمار می‌آیند و این مسئله در دین اسلام نیز بیان شده است که باوجود فقر (در اینجا مسائل اقتصادی)، ایمان سست می‌شود.

- مسائل اقتصادی جوانان

با توجه به نظر کارشناسان و با تفکیک زمینه‌های مسائل جوانان (فرهنگی(اخلاقی)- معرفتی و دینی- اعتقادی)، سیاسی- اداری، اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی)، در کدگذاری باز و تئوریک مربوط به مسائل اقتصادی از جنبه اولویت، جدول ۳ به‌دست آمد.

جدول ۳. نتایج تحلیل داده‌ها و موضوع‌های به‌دست آمده در مسائل با زمینه اقتصادی

موضوع‌ها	ردیف
شغل مناسب (مسئله بی‌کاری)	۱
درآمد ناکافی	۲
مسئله مسکن	۳
فضای کسب و کار نامناسب	۴
کمبود دانش و بینش مناسب اقتصادی بین جوانان	۵
فقدان فرهنگ کارآفرینی و کاریابی مناسب بین جوانان	۶
فقدان الگوی مناسب مصرف بین جوانان (ولخرجی و مصرف‌گرایی)	۷
ضعف تفکر سرمایه‌گذاری و پس‌انداز	۸
افزایش احساس فقر و محرومیت نسبی	۹

به عقیده کارشناسان، مسائل اقتصادی اصلی که جوانان را به شدت درگیر خود کرده است، ممکن است به مسائل اصلی دیگری تبدیل شود؛ برای نمونه: شخص شرایط مناسب برای ازدواج ندارد مگر این که خانه و شغل داشته باشد. امام صادق (ع) فرمود: «خدایا به نان ما برکت بده، چون در فقدان نان، شخص توان نمازخواندن و روزه گرفتن ندارد.» بنابراین ارتباطی تنگاتنگ بین نان و دین وجود دارد.

– مسائل فرهنگی جوانان

در کدگذاری باز و تئوریک مربوط به زمینه مسائل فرهنگی (آموزشی- اخلاقی، معرفتی و دینی) جوانان، جدول موضوع‌های ۴,۴ به دست آمد. از نظر کارشناسان در این زمینه، مسائل اقتصادی اولویت و اهمیت بیشتری نسبت به دیگر مسائل داشته است با وجود این، مسائل فرهنگی بیشترین فراوانی را از دیدگاه کارشناسان داشته‌اند و از خانواده تا نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها، همه در این زمینه مسئول شناخته شده‌اند. این مسائل بسیار مهم و اساسی به‌شمار می‌آیند.

جدول ۴. نتایج تحلیل داده‌ها و موضوع‌های به دست آمده در مسائل با زمینه فرهنگی

ردیف	موضوع‌ها
۱	تهاجم اخلاقی و فرهنگی
۲	بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی در آموزش
۳	آموزش تقلیدی (از غرب)
۴	غلبه بر رویکرد اقتصادی و مادی در پرورش و جامعه‌پذیری
۵	افزایش روابط جنسی نامشروع بین زنان و مردان متأهل
۶	آسیب‌های فرهنگی، اخلاقی و هویتی رسانه‌ای برای جوانان
۷	آسیب‌های ناشی از عرفان‌های جدید، فرق نوظهور
۸	نصیحت کردن جوانان
۹	گسیختگی و فقدان نظام‌مندی فرهنگی
۱۰	تعارض در باورهای دینی و اعتقادی
۱۱	افزایش توقع‌ها در نتیجه عملکرد بد رسانه‌ها و ...
۱۲	مادی‌گرایی و تجمل‌گرایی جوانان که سبب مسائل و جرایم دیگر می‌شود.
۱۳	فقدان برنامه‌ریزی اصولی برای اوقات فراغت جوانان
۱۴	لذت‌گرایی فزاینده بین جوانان
۱۵	تکنولوژی‌گرایی و مصرف‌گرایی (انسان در خدمت ماشین و کالاها درآمده است).

ادامهٔ جدول ۴. نتایج تحلیل داده‌ها و موضوع‌های به‌دست آمده در مسائل با زمینهٔ فرهنگی

ردیف	موضوع‌ها
۱۶	پایین‌بودن سطح مطالعه
۱۷	دین‌گریزی برخی از جوانان تحصیل‌کرده
۱۸	بی‌تفاوتی نسبت به سنت، فرهنگ و دین
۱۹	مصرف‌زدگی و گرایش به مُد (توجه بیش از اندازه به مُد و ظاهر)
۲۰	بی‌قاعدگی در روابط دختر و پسر
۲۱	اتلاف زمان و استفاده نامناسب از زمان (مشغول شدن با سرگرمی‌هایی مانند فیلم‌ها و شوهای سطحی)
۲۲	توجه به موسیقی‌های بی‌اصالت (مانند راک و...)
۲۳	گسترش روابط دختران و پسران جوان که به تحکیم خانواده آسیب می‌رساند.
۲۴	تضاد ساختگی ناشی از تبلیغ، بین هویت اسلامی و ایرانی
۲۵	نابسامانی (بی‌هنجاری) اخلاقی
۲۶	مسائل هویتی (سنت‌گرایی و مدرنیسم؛ اسلام‌گرایی یا ایران‌گرایی و...)
۲۷	فقدان خودشناسی
۲۸	ناآشنایی با معارف و اخلاق دینی
۲۹	نامأنوس بودن با تفکر و اندیشه در زندگی (سطحی و مادی بودن تفکر جوانان)

چنان‌که می‌بینید، همهٔ این مسائل را مسائل ریشه‌ای جوانان می‌نامند و نهادهای فرهنگی و آموزشی و همچنین خانواده‌ها نقش نهادهای مسئول و پدیدآورندهٔ این مسائل را دارند: «با ریشه‌یابی و بررسی علمی‌تر به مسئله، ریشه‌های اصلی و اساسی مشکلات اجتماعی را می‌یابیم که به فقدان ساماندهی نظام خانواده و معضلاتی در آن مربوط می‌شود. خانواده که خشت اول نهادهای اجتماعی دیگر به‌شمار می‌آید در صورت آسیب‌دیدن، سایر نهادهای اجتماعی نیز به تبع آن آسیب خواهند دید؛ به‌ویژه در خصوص مسائل اخلاقی، اعتقادی و دینی. در واقع مسائل فرهنگی جوانان با مسائل خانوادگی گره خورده است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که «فقدان ارتباط اصولی والدین با فرزندان» و همچنین «فقدان توجه کافی به آموزش و تربیت» کودکان و نوجوانان مسئله‌ای جدی است که منجر به افزایش بسیاری از مسائل اخلاقی و اعتقادی جامعه خواهد شد.

– مسائل اجتماعی جوانان

همچنین در کدگذاری باز و تئوریک مربوط به مسائل اجتماعی جوانان، موضوع‌های جدول ۵ به‌دست آمد.

جدول ۵. نتایج تحلیل داده‌ها و موضوع‌های به‌دست آمده در مسائل اجتماعی

ردیف	موضوع‌ها
۱	ازدواج (مسائل و موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن)
۲	فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی
۳	نابسامانی‌های خانوادگی، آسیب‌های روابط خانوادگی و تعامل با والدین
۴	اعتیاد
۵	افزایش طلاق رسمی و طلاق عاطفی و ارتباطی و مسائل ناشی از آنها
۶	تحصیلات و دغدغه‌های تحصیلی برای جوانان و خانواده‌هایشان
۷	آسیب‌های روابط خانوادگی، تعامل با والدین و با همسران خود
۸	تعارض در نقش‌ها (کارمند، دانشجو، همسر، پدر و مادر و...)
۹	فقدان آموزش مهارت‌های زندگی در نهادهای جمعی (خانواده و مدرسه و رسانه و...)
۱۰	فراهم نبودن شرایط مناسب برای تخلیه هیجان‌ها و شادی‌ها
۱۱	جامعه‌پذیری ناقص به‌ویژه در نظام آموزشی
۱۲	به تأخیر افتادن ازدواج و افزایش سن ازدواج برای دختران و پسران
۱۳	مسائل زندگی زناشویی
۱۴	مسائل جنسی جوانان (رفتار جنسی، روابط جنسی، فشارهای جنسی، بلوغ زودرس و...)
۱۵	کاهش کنترل‌های غیررسمی و محلی در پی شهرنشینی فزاینده
۱۶	بی‌کیفیتی علمی دانشجویان جوان و فقدان علاقه جدی به علم
۱۷	مدرک‌گرایی و بی‌علاقگی به علم و دانش

همچنین «فرسایش اعتماد و سرمایه اجتماعی» یکی از مهم‌ترین مسائلی است که چند سال اخیر بدان توجه جدی شده است و کارشناسان این پژوهش نیز بر آن تأکید کرده‌اند. ظاهراً ریشه این بحران در مدرن‌شدن و تغییر گروه‌های هویتی و مرجع فکری جامعه است که ریشه‌های آن، سستی رابطه نخبگان و توده مردم است که آن نیز به اعتماد میان این دو سطح از نظام اجتماعی مربوط است. به عقیده کارشناسان، فرسایش سرمایه اجتماعی عوامل بسیاری دارد و پیامدهای زیانباری برای انسجام و همبستگی اجتماعی به بار خواهد آورد.

تعارض در نقش‌ها نیز از دیگر مسائل اجتماعی جوانان است؛ «چه بسا فردی بنا به وجود انبوه متقاضیان کار، به ناچار کاری را می‌پذیرد، در این صورت فرد، نقشی را پذیرفته است که با ویژگی‌ها و توانایی او سازگار نیست؛ در چنین شرایطی تعارض نقش به وجود خواهد آمد و در نتیجه آن، فرد پاسخگویی انتظارات و وظایف متعارض خواهد شد و چنین وضعیتی، در اهداف آن مجموعه (اداره، سازمان یا...) نیز خلل به وجود می‌آورد. در نهایت، فرد نیز احساس بی‌کفایتی خواهد کرد و به همین علت ممکن است یکی از دو نقش خود را به صورت دائم یا موقت، رها کند. در واقع، فرد قادر نیست هم دانشجوی خوبی باشد و هم کارگر خوب».

– مسائل روان‌شناختی جوانان

در کدگذاری باز و تنوریک مربوط به مسائل روان‌شناختی بنا بر اولویت، جدول ۶ به دست آمد.

جدول ۶. نتایج تحلیل داده‌ها و موضوع‌های به دست آمده در مسائل روان‌شناختی

ردیف	موضوع‌ها
۱	فقدان خوداتکایی (مستقل نبودن جوانان و وابستگی آنها)
۲	فقدان خودباوری (که نتیجه وابستگی و فقدان استقلال است).
۳	بحران‌ها و فشارهای روحی و افسردگی در نتیجه بی‌کاری و تجرد و...
۴	نداشتن تعادل روانی و سرگردانی، آشفتگی، تردید و ابهام در نتیجه تعارض و ابهام در نقش‌ها
۵	ناسازگاری‌های روانی برای انطباق با محیط
۶	رشد فردگرایی ناهنجار (فاصله گرفتن از خانواده و اجتماع)
۷	کم‌حوصلگی و عجول بودن
۸	زیاده‌خواهی و متوقع بودن از خانواده و جامعه
۹	کسالت و تن‌پروری
۱۰	نازپرورده کردن کودکان در برخی خانواده‌ها و نجشیدن سختی
۱۱	نامیدی به آینده و افسردگی روحی
۱۲	بی‌اطمینان و ناامید به آینده
۱۳	رواج افسردگی و کاهش شادی بین جوانان

کارشناسان روان‌شناختی، این مسائل را نیز ساختاری و نتیجه کارکرد نامناسب نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌دانند؛ همچنین نتیجه عواملی که ناشی از دوره جوانی و رشد و مراحل بلوغ است. در هر حال مسائل روان‌شناختی جوانان نباید در میان مسائل دیگر

پنهان و نادیده گرفته شود. فقدان خوداتکایی (مستقل نبودن جوانان و وابستگی آنها) یکی از مسائل جدی و فرهنگی- روان‌شناختی است که منجر به وابستگی جوانان شده است.

- مسائل سیاسی- اداری جوانان

در کدگذاری باز و تئوریک مربوط به مسائل سیاسی- اداری بنا بر اولویت، جدول ۷ به‌دست آمد.

جدول ۷. داده‌ها و موضوع‌های به‌دست آمده در مسائل زمینه سیاسی- اداری

ردیف	موضوع‌ها
۱	بی‌اعتمادی به مسئولان سیاسی و مدیریتی
۲	گسترش دامنه خواست مشارکت سیاسی و مسائل مشارکت سیاسی جوانان
۳	فقدان فضای مناسب برای مشارکت جوانان در برنامه‌های مربوط به آنها
۵	سیاسی شدن همه جنبه‌های زندگی
۶	تفکر جوانان مبنی بر وجود فساد زیاد (پارتی‌بازی، رانت و...) در دستگاه‌های اجرایی

اولویت‌بندی عوامل

اما چه عواملی در خلق مسائل یا تأثیرگذاری بر آنها نقش دارند؟ آیا برحسب داده‌های حاصل از مصاحبه در کدگذاری اولیه، دستیابی به یک اولویت‌بندی از آنها در کدگذاری باز امکان‌پذیر است؟ براساس این پرسش‌ها در جدول اولویت عوامل مؤثر بر مسائل جوانان را بیان می‌کنیم؛ در این جدول هم عوامل ساختاری (اقتصادی، فرهنگی- آموزشی، سیاسی و اجتماعی) و هم عوامل فردی- کنشی بیان شده‌اند.

با استفاده از کدهای باز جدول ۷، عوامل مؤثر بر به‌پدیدآمدن مسائل جوانان در قالب موضوع‌های تئوریک در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. موضوع‌های به‌دست آمده از کدگذاری تئوریک (عوامل پدیدآورنده مسائل جوانان)

ردیف	موضوع‌ها
۱	نظام اقتصادی ناسالم و ناکارآمد (با زیرساخت‌های ناسالم)
۲	ناکارآمدی نهادهای آموزشی و فرهنگی
۳	سوء مدیریت دولتی و اداری
۴	نابسامانی‌های خانوادگی
۵	مسائل جمعیتی و افزایش جمعیت جوانان

نظام اقتصادی ناسالم با زیرساخت‌های ضعیف در نقش مهم‌ترین عامل در نظر گرفته شده است. در واقع نظام اقتصادی ناسالم و ناکارآمد (با زیرساخت‌های ناسالم) مهم‌ترین عامل پدیدآورنده مسائل جوانان بوده است. «با افزودن ناهماهنگی نظام آموزشی کشور و نظام اقتصادی ناکارآمد به مشکلات نامبرده، درمی‌یابیم که نظام آموزشی به نیازهای نظام اقتصادی توجه نکرده است؛ یعنی نظام آموزشی جامعه ایران با نیازهای اقتصادی (تولید، توزیع و خدمات) هماهنگ نیست. برای نمونه در شهری که فقط به تعدادی مشخص مهندس عمران نیاز دارد، دانشگاه آزاد بدون در نظر گرفتن این نیاز، صدها دختر و پسر را در رشته مهندسی عمران می‌پذیرد و برای همان شهر، فارغ‌التحصیل و روانه بازار کار می‌کند.»

البته همچنان نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ها از جنبه فراوانی، بیشترین توجه کارشناسان را به خود جلب کرده‌اند و آنها معتقدند که خانواده، مدرسه، رسانه و نهادهای فرهنگی و آموزشی از مهم‌ترین نهادهای پدیدآورنده و رفع‌کننده مسائل هستند.

همچنین عارضه‌های همچون:

- پایین بودن سطح معلمان در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان
- ناهماهنگی نظام آموزشی با نظام اقتصادی
- تعطیلی نهادهای فرهنگی مانند امور تربیتی در نظام پرورشی
- عملکرد نامناسب رسانه‌ها که منجر به افزایش توقع‌ها شده است.

نابسامانی‌های خانوادگی در مرحله بعد بسیار مهم است اهمیت و کارشناسان معتقد بوده‌اند که می‌بایست برای این مسائل، راه‌حل‌های جدی اندیشید و برنامه‌ریزی‌های اصولی در پیش گرفت و در نهایت، رشد جمعیت و تورم، شرایط کار و تحصیل و ... را برای جوانان مشکل‌تر کرده است. «از عوامل دیگر مؤثر بر کارایی و اشتغال جوانان، افزایش جمعیت است؛ رشد جمعیت سبب نامتعادل شدن تناسب جمعیت و امکانات اقتصادی می‌شود و یکی از عوامل بیکاری به‌شمار می‌رود که در جامعه ما مشهود است.»

- اولویت‌بندی راه‌حل‌ها

اکنون موضوع این است که چه راه‌حلی برای این مسائل وجود دارد؟ آیا برحسب داده‌های حاصل از مصاحبه در کدگذاری اولیه، دستیابی به یک اولویت‌بندی از راه‌حل‌ها در کدگذاری باز امکان‌پذیر است؟ بر این اساس در جداول پیشین به کدگذاری باز از موضوع‌های راه‌حل‌های

ارائه شده پرداختیم که هم راه‌حل‌های ساختاری (اقتصادی، فرهنگی- آموزشی، سیاسی و اجتماعی) بیان شده‌اند و هم عوامل فردی- کنشی. در جدول ۸، راه‌حل‌های کارشناسان مسائل جوانان در قالب موضوع‌های باز و در جدول ۹، راه‌حل‌های کارشناسان مسائل جوانان در قالب موضوع‌های تئوریک به ترتیب اولویت آمده است.

جدول ۹. داده‌ها و موضوع‌های به دست آمده از کدگذاری تئوریک (راه‌حل‌ها)

ردیف	موضوع‌ها
۱	راه‌حل‌های سیاسی- مدیریتی
۲	راه‌حل‌های آموزشی، تربیتی، فرهنگی
۳	راه‌حل‌های اقتصادی
۴	راه‌حل‌های اجتماعی
۵	راه‌حل‌های روان‌شناختی

بر اساس جدول ۹، راه‌حل‌هایی با جنبه سیاسی و مدیریتی در اولویت قرار گرفته‌اند. با توجه به این‌که بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را دولت انجام می‌دهد، کارشناسان حجم زیادی از مسئولیت را به گردن دولت و نهادهای مسئول انداخته‌اند. «به نظر می‌رسد اگر در بُعد سیاست‌گذاری، همه نهادهای تصمیم‌گیرنده موظف باشند که برای جوانان کار کنند، موفق‌تر خواهیم شد (نه فقط یک نهاد یعنی سازمان ملی جوانان)». این جمله از سوی کارشناسان نشان می‌دهد که همه نهادها باید برنامه‌های ویژه‌ای برای حل کردن مسائل درهم‌تنیده جوانان داشته باشند. چنان‌که آشکار است ما برای همه مسائل در سایر زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هنوز در پی برنامه‌ریزی‌های دولتی هستیم. «دولت می‌بایست برای جوانان امکانات فراهم کند و وضعیت زندگی خانواده‌ها را سامان دهد و به اندازه‌ای فاصله طبقاتی را کاهش دهد که مناعت طبع افراد از بین نرود». باید سیاست‌های اقتصادی دولت برای مسئله اشتغال تنظیم شود.

نتیجه‌گیری

مسائل جوانان جدا از مسائل جامعه ایران نیست؛ جوانان ممکن است آیین تغییرات اجتماعی و فرهنگی و ارزشی هر جامعه‌ای باشند. جامعه ایرانی با مختصات جامعه‌ای نیمه‌مدرن و در حال گذار از ابهام‌ها و فرازونشیب‌های مدرنیته با ناهمخوانی‌های نسل‌ها در برخی زمینه‌ها، توانایی‌ها

و کاستی‌های خود را برای جوانان بازتولید می‌کند. جامعه‌شناسان مسئله اجتماعی را فاقد محتوایی دقیق می‌دانند. برخی معتقدند دایره این اصطلاح ممکن است وضع یا شرایط کلی اجتماع را در برگیرد که سبب بروز دشواری خاص می‌شود؛ ساختارهای اقتصادی نامناسبی که به بروز نابرابری‌های بزرگ می‌انجامد و بی‌عدالتی‌های نهادینه‌شده و نارضایتی و نابسامانی عمومی. برخی دیگر نیز معتقدند مسئله اجتماعی در شرایط و اوضاع خاصی به‌کار می‌رود که به بهسازی نیاز دارد. در این صورت مسائل اجتماعی ناشی از نامتعادلی‌های جزئی به بروز مشکلات یا بن‌بست‌هایی می‌انجامد که خروج از آنها برای افراد محروم، امکان‌پذیر نیست. در این زمینه، مسائل اجتماعی بسیار گوناگون هستند و موضوع آن ممکن است هریک از جنبه‌ها و ابعاد حیات اجتماعی در هر سطح را دربرگیرد؛ مانند مسکن، بهداشت و بیکاری. حتی شیوه زندگی نیز ممکن است به پیدایش سلسله مسائل اجتماعی مانند بزهکاری، جرم، اعتیاد به الکل و فساد منجر شود. دوره انتقالی جامعه ایران علاوه بر چالش‌های درونی، با چالش‌های مؤثر بیرونی نیز روبه‌رو بوده است. لیکن این تغییرات به اندازه‌ای نبوده است که حالت دگردیسی و شکاف ارزشی پدید آید، بلکه پاره‌ای از این تغییرات به‌ویژه در زمینه ارزش‌های خانوادگی با اهمیت و مهم به‌شمار می‌آیند. درخصوص ارزش‌های دینی، تغییرات نگران‌کننده‌ای پدیدار نشده، اگرچه در برخی موارد به نظر می‌رسد در زمینه مناسکی، کاهش اندکی داشته‌ایم ولی در سایر ابعاد، تغییرات بسیار اندک بوده است. آنچه مسلم است این‌که ارزش‌ها و اخلاق برای توسعه و صنعتی‌شدن بسترهای خود را به‌تدریج می‌بایند و نسل‌های مختلف ارزش‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متناسب با زمان خود را مزاحم همزیستی، تفاهم و تعامل خود نمی‌دانند. بنابراین تحولات ارزشی جامعه که در سه زمینه دین، خانواده و دولت بررسی شده است تغییرات پیش‌بینی‌پذیر را شاهد بوده است. این موضوع با پدیده بریکولاژ فرهنگی همخوانی تنگاتنگی دارد که واقعیت جامعه ایرانی است. بی‌تردید این بخشی از واقعیت دنیای جدید است که ارزش‌های مشترک جهانی در حال شکل‌گیری و تفاهم هستند و بدین ترتیب زمینه‌های تمدنی گفتمانی مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای مشترک پدید می‌آید. پس از گذشت دو دهه از انقلاب، همچنان «فرهنگ» بارزترین و برجسته‌ترین چهره نظام است. با وجود این، پس از انقلاب، نظام استعداد تولید و بازتولید فرهنگی بسیار پایین و ناکارآمد بوده است.

براساس بررسی کلی داده‌ها و کدگذاری آنها، دغدغه‌های مدیران درخصوص جوانان، با وجود مسئله‌شناسی درست، همچنان با ابهام‌هایی روبه‌رو است. در مسئله‌شناسی‌ها با تمرکز بر

مشکل ازدواج، مسائلی مانند تأخیر سن ازدواج دختران و پسران، روابط جنسی بی‌قاعده، کم‌اهمیت‌شدن نقش خانواده در انتخاب همسر، ارزش اقتصادی ازدواج و... روبه‌رو هستیم. این گونه مسائل حکایت از تغییر ساختار خانواده و ازدواج دارد زیرا جامعه ایرانی با مرکزیت خانواده بیشتر به ازدواج فرزندان در سن بلوغ توجه می‌کرده است. ولی با تغییرات پدیدآمده در نظام اجتماعی، علاقه و تلاش برای ورود به آموزش عالی، دستیابی به موقعیت‌های بهتر، استقلال اقتصادی دختران و پسران و تمایل به زندگی مستقل از خانواده که هزینه بالای تهیه مسکن و... را دربردارد، در ساختار ازدواج و خانواده ایرانی تغییرات اساسی به‌وجود آمده است. با وجود این، نقش نیروی سامانده امور خانوادگی را نباید از یاد برد. برخلاف داوری موجود که نسل جوان را عامل اصلی همه این تغییرات می‌داند، شواهد نشان‌دهنده نقش و تأثیر نسل میانی است. از جنبه نسلی، بیش از این‌که جوانان مسئول تأخیر در ازدواج باشند نسل میانی (پدران و مادران جوانان) عامل اصلی شیوه ازدواج هستند؛ زیرا نیروی اصلی سامان‌دهنده خانواده ایرانی نسل میانی تا نسل اول و سوم هستند.

در این صورت باید بیشتر بر سهم و نقش نسل میانی در تغییرات خانواده و ازدواج تأکید کرد. البته نسل جدید، عامل اجرای سیاست‌های طراحی‌شده به واسطه نسل میانی است. مسائلی که نسل جوان را مسئول پدیدآمدنشان می‌دانند عبارتند از:

تأخیر سن ازدواج، روابط دختر و پسر پیش از ازدواج، بی‌میلی به ازدواج و فقدان مسئولیت‌پذیری آنها در زندگی اجتماعی و خانوادگی. با دیدگاهی کمی واقع‌بینانه، به نقش نسل میانی در این زمینه پی‌می‌بریم. براساس نتایج پژوهش‌ها در میان جوانان، به‌ویژه دانش‌آموزان دبیرستان‌ها، شرایط مناسب در روابط دختران و پسران به‌دست آمده است. نزدیک به نیمی از دانش‌آموزان با جنس مخالف رابطه دارند یا علاقه‌مند به رابطه هستند.

همچنین یکی از نکات مشترک مصاحبه‌ها این است که دولت‌ها و مدیران اغلب آسان‌ترین راه‌ها را برای حل مشکلات پیش‌رو انتخاب می‌کنند؛ در بعضی از مواقع نیز می‌کوشند تا به جابجایی مشکلات بپردازند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در گروه جوانان، مسئله اعتماد اجتماعی است. ریشه این بحران در مدرن‌شدن و تغییر گروه‌های هویتی و مرجع فکری جامعه است که ریشه آن رابطه نداشتن نخبگان و توده مردم است که بر اثر بی‌اعتمادی این دو قشر پدید آمده است. گرچه در دنیای مدرن، افزایش کنترل اجتماعی، آسودگی و آرامش جامعه را برهم می‌زند ولی در جوامعی مانند

ایران نیز بی‌قدرتی و فقدان کنترل اجتماعی در همه نهادها (از کلان‌ترین سطح اجتماعی تا خردترین آنها) دیده می‌شود؛ نمونه بارز آن نیز خانواده است که هیچ یک از اعضای آن قدرتی ندارند از پدر و مادر گرفته تا فرزندان، کسی قادر به نظارت و کنترل بر دیگری نیست. جامعه مدرن شرایطی دارد که با ورود به آن می‌بایست بدان‌ها عمل کرد. سامان‌دهی جامعه مدرن بدون ابزارهای قانونی، دموکراسی و قدرتمندی نهادها ناممکن است. وقتی توده‌وار عمل کنیم شاهد بروز هرج‌ومرج و بی‌هنجاری و بی‌قدرتی در جامعه خواهیم بود. در جامعه‌ای که راه دستیابی به هدف اجتماعی مشخص نیست، همه می‌کوشند از منابع قدرت استفاده کنند؛ بدین ترتیب در پی مناصب تعریف‌نشده و ضعیف می‌روند. بر این اساس جامعه به اصطلاح از قواعد عام و امور جهان‌شمول پیروی نمی‌کند.

هویت یکی دیگر از مسائل مورد توجه در مسئله‌شناسی جوانان است. به عقیده برخی از کارشناسان، بحران در هویت و گروه‌های هویتی نیز از مسائل شایع جامعه ایران است. هویت افراد در جامعه ایران، هویت در حال پوست‌انداختن از سنت است و در چنین شرایطی الگوی محکمی وجود ندارد که جوانان به آن تکیه کنند و این خود سبب بی‌هویتی و بی‌هنجاری در جامعه می‌شود. گروه‌ها در ایران قدرت هویت‌سازی ندارند و در صورت وجود چنین قدرتی، فضای فعالیت نیست و گروه‌های مرجعی که افراد به آنها احساس تعلق کنند و درون یک "ما" قرار گیرند میان نسل جدید دیده نمی‌شود.

مسئله استقلال مالی و خودکفابودن یکی دیگر از دغدغه‌ها و مشکلات جوانان است. جوانان بسته به فعالیت اقتصادی خود ممکن است وابسته یا مستقل باشند. کاهش درآمد جوانان بر اثر آموزش و کارآموزی طولانی آنان، بی‌کاری فزاینده و کاهش چشمگیر درآمدها و کمک‌ها که با بی‌کاری همراه بوده است، بدین معناست که مدت زندگی مشترک والدین و فرزندان طولانی‌تر است و احتمال وابستگی مالی آنان به والدین بیشتر است؛ با این حال روابط دست‌خوش تغییراتی شده است. پژوهش‌های داخلی نشان‌دهنده تأثیر این موضوع بر روابط خانوادگی و روابط والدین با فرزندان و آسیب‌های اجتماعی خاص این دوران است.

براساس پژوهش‌ها، در خانواده اروپایی یک وظیفه اخلاقی قوی برای والدین در زمینه حمایت از فرزندان در طول زندگی آنان وجود دارد. والدین برای تأمین مسکن - از جمله یک اتاق مستقل - و همچنین آموزش فرزندان خود احساس وظیفه می‌کند؛ هرچند آموزش در کشورهای اروپایی رایگان است. یکی از منابع روابط نسل‌های سه‌گانه در اروپا در خصوص

خانواده، تولید فرزندان و نوه‌ها هستند. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در این زمینه منابع مهمی برای حمایت از خانواده جوان بودند. تشکیل و پایداری خانواده در ارتباط با عوامل بسیاری است که یکی از آنها مسائل اقتصادی و مالی است. نقش مسائل اقتصادی در زندگی مشترک، نقشی پذیرفته شده است. همان‌گونه که زندگی مجردی نیز نیازمند منبعی مالی برای تأمین هزینه‌های مختلف است، قطعاً پس از ازدواج و تشکیل خانواده، این هزینه‌ها با توجه به شرایط زمان افزایش بیشتری می‌یابد. همچنین براساس مصاحبه‌ها، امروزه یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوانان درخصوص ازدواج، تأمین هزینه‌های اقتصادی است و همین مسئله سبب تأخیر در ازدواج و افزایش سن ازدواج در جامعه شده است. مسائل اقتصادی به دو صورت در زندگی مشترک نقش پیدا می‌کند؛ نخست در آغاز ازدواج مانند: تعیین مهریه، تأمین هزینه‌های جشن ازدواج و تهیه جهیزیه و فراهم کردن مسکن و... و دوم پس از ورود به زندگی مشترک، مانند نفقه و سایر هزینه‌های زندگی. اگرچه دولت مؤسسات عمومی برای مراقبت از کودکان فراهم می‌کرد، ولی فقط بخش اندکی از هزینه‌های مراقبت را می‌پذیرفت. از این رو آنها برای مراقبت و حمایت از فرزندان خود به والدین خود مراجعه می‌کردند؛ به گونه‌ای که در دهه ۱۹۸۰ میلادی در کشورهای اروپایی برای نمونه، ۶۸ درصد از جوانان برای کمک‌گرفتن در نگهداری بچه از والدین هر دو خانواده (والدین زن و شوهر) استفاده می‌کردند. برای جوانانی که در حال تحصیل بچه‌دار می‌شدند (و شمار آنها در این قشر زیاد بود)، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها منبع مهمی برای کمک به شمار می‌رفتند. این روند در ایران نیز در حال شکل‌گیری است. بر اثر طولانی شدن و تفکیک انتقال‌های جوانان از یکدیگر، روابط با والدین بسیار مهم است و این اهمیت نه تنها به دلیل زندگی جوانان با خانواده برای دوره‌های زمانی طولانی‌تر است، بلکه بدین علت است که والدین همچنان برای جوانان - حتی پس از ترک خانه - مهم هستند. گرایش متناقضی میان جوانان وجود دارد که خواسته‌های بیشتری برای استقلال دارند و در عین حال، برای دوره‌های طولانی‌تر از زمان به والدین خود وابسته‌اند. این مسئله فشار زیادی بر روابط خانوادگی وارد می‌کند که با استقلال‌دادن بیشتر به جوانان در خانه والدین بهبود می‌یابد یا ممکن است جوانان خانه را ترک کنند. با توجه به نتایج این الگوی کلی را در بررسی مسائل اجتماعی جوانان مدنظر قرار می‌دهیم که در نظام اجتماعی جامعه ایرانی عناصر، نهادها و سازمان‌ها و نیروهای اجتماعی فراوانی وجود دارند که هر یک در ساماندهی این جامعه نقش دارند؛ از میان آنها سه نهاد اجتماعی دین، خانواده و دولت و همچنین چگونگی تعامل آنها نقش سرمایه

اجتماعی دارند. فرضیه اصلی در بیان روابط و گفتمان‌های نسل‌ها در جامعه ایرانی اهمیت و حضور سه نهاد اجتماعی اصلی است. این سه نهاد از جنبه تاریخی و اجتماعی در مقایسه با نهادهای اجتماعی دیگر، نقش آفرینی بیشتری دارند و بسیاری از کارکردهای نهادهای دیگر نیز بر عهده این سه نهاد است. وجود سه نهاد به معانی گوناگونی تعبیر می‌شود که عبارتند از:

۱. سستی ماندن جامعه

۲. حضور محدود ولی مؤثر نهادها

۳. قدرت نهادهای نامبرده و عاملیت تاریخی ایرانیان.

خانواده ایرانی در این فرضیه با دو نهاد دیگر اجتماعی (دین و دولت) سازنده جامعه ایرانی

هستند.

منابع

- آزادارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران*، تهران: انتشارات آن.
- برنادرز، جان (۱۳۸۴)، *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- تیموری، کاوه (۱۳۷۳)، «بررسی ارزش‌های پدران و پسران و بروز شکاف نسل‌ها»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، شماره ۱۶ و ۱۷.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۸۸)، *کندوکاو در مسائل جوانان و مناسبات نسلی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- جلیلود، شیرین (۱۳۷۵)، *بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران (نسل قدیم و جدید) نسبت به ارزش‌های اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، *نقش آزادی در تربیت کودکان*، تهران: نشر بقیعه.
- خویی، له‌تان (۱۳۸۰)، *جوانان استعمارشده*، ترجمه امان‌الله ترجمان، تهران: انتشارات پرشکوه.

- دورانت، ویل (۱۳۷۴)، *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذکایی، محمود سعید (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: انتشارات آگه.
- رعیت علی‌آبادی، مریم (۱۳۶۹)، *کتابشناسی جوانان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰ الف)، *جوان نیروی چهارم*، تهران: انتشارات سروش.
- _____ (۱۳۸۰ ب)، *جوانان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳)، *میانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- ظرفیان، غلام‌رضا (۱۳۸۳)، «زمینه‌های بحران هویت در نسل سوم»، در مجموعه مقالات: *هویت در ایران*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی: ۸۶-۳۶۹.
- قبادی، خسرو (۱۳۸۳)، «عوامل بحران‌ساز در ایران»، در مجموعه مقالات: *هویت در ایران*، به کوشش علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی: ۶۸-۳۴۵.
- قنبری، بخشعلی (۱۳۸۴)، «از خود بیگانگی در اندازه‌های مختلف»، *هویت و بحران هویت*، تهران.
- گینز، جان آر و ریمر، بو (۱۳۸۱)، *سیاست پست‌مدرنیته: درآمدی بر فرهنگ و سیاست معاصر*، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه حمیدرضا جلالی‌پور، تهران: انتشارات طرح نو.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۷۸)، *روان‌شناسی کودک*، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۳)، *جوانان و مناسبات نسلی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)، *شکاف بین نسل‌ها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.